

زندگی

پربی تفاوتی یعنی پذیرش

نفرت پراکنی نباید قسمتی از فرهنگ عمومی مان باشد

زهرا صالحی نیا
نویسنده



فرهنگ

برای مواجهه با نفرت در اینترنت نیازی نیست که حتماً عضو گروه و کانال و شبکه خاصی باشید. همه گیری و در دسترس بودن اینترنت باعث شده، شما در هر زمان و هر جایی که باشید امکان مواجهه با نفرت پراکنی و یا افراد نفرت پراکن را داشته باشید. این رفتارها دیگر محدود به یک منطقه جغرافیایی و یا زبانی و گروه فکری خاص نیست. همه گیری آن موجب شده که تبدیل به یک فرهنگ رفتاری شود که گاهی افراد بدون آنکه متوجه باشند آن را تقلید می کنند.

تمسخر و گفتن جملات و کلمات ناراحت کننده درباره ظاهر افراد، نژاد و یا مسائلی از این دست رفتاری شایع است که افراد به صورت شناس یا ناشناس در اینترنت انجام می دهند. به نظر می رسد مانند نوعی فرهنگ جاری است که از سمت مردم پذیرفته شده.

اما بستر رشد این فرهنگ مسأله مهمی است. چرا که فراهم بودن امکانات و تسهیل کردن مراحل رشد این فرهنگ در این بسترها باعث شده که فرهنگ خشونت و تندروی به نقطه نقطه دنیا سرایت کرده و نشانه ای در هر فرد داشته باشد.

اشکال مختلف نفرت پراکنی در اینترنت:



ویدئوهای آنلاین

ویدئوهای آنلاین با محتوای نفرت پراکنی هم مانند موسیقی در بسیاری از شبکه های اجتماعی اجازه بارگذاری ندارند اما نمی توان تمام محتوای موجود در اینترنت را فیلتر کرد. در واقع مسأله فرهنگ جاری است که حتی ممکن است امنیت های یک ویدئوی آموزش ساده خیاطی را هم تبدیل به فضایی برای بروز خشونت و نفرت و فرد یا افرادی را دچار آسیب کند. وقتی تندروی رفتاری شایع و پذیرفته شده باشد امکان بروز در هر جایی محتمل است، حتی در گفت و گوی کناری یک بازی آنلاین.

متأسفانه فرهنگ جاری زیر پوست بازی های آنلاین هم حاکی از خشونت و نفرت پراکنی است که متوجه نوجوانان و جوانانی است که بیش از هر رده سنی با این بازی ها سر و کار دارند و در بسیاری موارد افراد این رفتار را پذیرفته اند و جزئی از فرهنگ بازی آنلاین می دانند و به آن معترض هم نیز نیستند.



موسیقی

موسیقی نیز یکی از ابزار ترویج تندروی و نفرت پراکنی است. در این مورد توجه نوجوانان بیش از هر قشری به موسیقی نفرت پراکن جلب می شود. نوجوانان برای تعریف هویت خود به سمت این مدل موسیقی متمایل می شوند و تولیدکنندگان موسیقی های نفرت پراکن نیز از این تمایل سوءاستفاده می کنند. اگرچه بسیاری از سرویس دهنده های آنلاین موسیقی بسیاری از این محتوای تند و خشن را حذف می کنند اما سایت های تندرو، محل خوبی برای بارگذاری و پیدا کردن موسیقی نفرت پراکن هستند.



یکی از روش های جدید بروز رفتار نژادپرستانه اصطلاحی به نام «نژادپرستی معقولانه» است که این رفتار تند و نفرت آلود را با توجیهات علمی و مبانی اخلاقی تزیین می کند



وبسایت

وبسایت ها یکی از اولین ابزارهایی بودند که گروه های حقیقی تندرو به سمت آن متمایل شدند و مطالب و نظرات و عقایدی که داشتند را به صفحات وب سایت ها منتقل کردند. وبسایت ها هزینه چاپ و در دسترس نشر را نداشتند و براحتی می شد به صورت ناشناس در آنها مطالبی را بارگذاری کرد. از هر کجای دنیا می شد به آن دسترسی داشت و محدوده مخاطب خود را به سراسر دنیا گسترش داد.

وبسایت ها کم کم بستر انجمن های گفت و گوی آنلاین شدند و همچنین محتوای صوتی و تصویری را در خود به اشتراک گذاشتند که تمام این ها دسترسی و نشر عقاید و ترویج یک فرهنگ را در سراسر اینترنت آسان تر کرد. البته ذکر این موارد به معنی مضر بودن این رشد نیست، رشد اینترنت و دسترسی آزاد به اطلاعات معایب و مزایایی را توأمان داشت.

با پیشرفت استفاده از اینترنت و بروز بسترهای تازه ارتباطی، وبسایت ها هم پیشرفت کردند. حتی مدل ارائه مطالب آنها نیز متفاوت شد. تندروی و نفرت پراکنی به سادگی قابل ابراز نبود. با رشد شبکه های ارتباطی اگرچه فرهنگ کلی تغییر می کرد اما بخشی از آگاهی جمعی نیز بالاتر می رفت و در مقابل تندروی و رفتارهای نفرت پراکن واکنش نشان می داد. در نتیجه روش های جدیدی ابداع شد. یکی از روش های جدید بروز رفتار نژادپرستانه، اصطلاحی به نام «نژادپرستی معقولانه» است که این رفتار تند و نفرت آلود را با توجیهات علمی و مبانی اخلاقی تزیین می کند و تلاش می کند به مخاطب بقبولاند که این رفتار در شرایطی و از جهاتی درست و علمی است و رفتاری طبیعی از یک انسان مدرن است.

متأسفانه این مدل ارائه رفتارهای نفرت پراکن و توجیه خشونت که مثالش در بالا ذکر شد، باعث پذیرش از سمت بسیاری از افراد و تأثیرگذاری طولانی و عمیق تر به نسبت رفتارهای مستقیم شد.



یادداشت

ادای دین به زندگی

آیه طائبی
دبیر گروه زندگی

نوشتن، یکی از جذابیت های زندگی است. هرکدام از ما روزها و شب های منحصر به فردی را می گذرانیم و تجربه خاصی از زندگی داریم که می توانیم درباره آن بسیار بنویسیم. حتی آنها که بسیار ساده و پیش پا افتاده به نظر می آیند را می شود از نگاه شخصی، جالب تعریف کرد. فقط کافی است بلد باشیم چطور تعریف کنیم.

ما آدم ها، هرکدام مان یک جور خاصی دنیا را می بینیم که ارزش گفتن دارد. چیزی که من تجربه می کنم را هیچ کس دیگری نمی تواند تجربه کند، چون من نیست. پس یکی از دین های ما به زندگی بازگو کردن این امکانی است که در اختیار ما گذاشته.

لزوماً نباید به کره ماه سفر کرده باشیم که تجربه مان خاص و خواندنی و شنیدنی باشد. ممکن است تجربه یک نان خریدن هم جالب باشد. پیش ترها برای همدیگر خاطره تعریف می کردیم، حالا شاید بیشتر به صورت عکس خاطرات را ثبت می کنیم. اما عکس هیچ وقت نمی تواند آن حس و حال و تجربه را کامل و بخوبی ثبت کند. حالا چه برای دل خودمان باشد، چه برای خواندن دیگران.

لازم هم نیست که حتماً کلاس بروید و دوره ببینید تا بتوانید خوب بنویسید. یعنی این راه، تنها راه نیست، البته که دوره حرفه ای خیلی می تواند حرکتان را تسریع ببخشد، اما این طور نیست که اگر نشد کلاس بروید، بی خیالش شوید. می توانید با بیشتر خواندن و تمرین و نوشتن به صورت روزانه، قلم خودتان را تقویت کنید و از تجربه های تان بنویسید. می توانید مختصر و مفید در حد دو پاراگراف شروع کنید. نوشتن در هضم و عبور از اتفاقات سخت و تلخ کمک می کند، خوشی ها و شادی ها را ثبت می کند و در کل یادمان می اندازد در مسیر زندگی چه بالا و پایین هایی داشتیم، چه روزهایی گذرانیدیم و چه ماجراهایی را تجربه کرده ایم. قرار نیست همه همینگوی باشند که بنویسند، دنیا به نوشته های ساده و قابل لمس هم نیاز دارد. نوشته هایی که می دانیم یکی مثل خودمان نوشته.

من خیلی سال است که دارم می نویسم و یک سال گذشته را هم صرف نوشتن درباره تکنیک های نویسندگی، خواندن و تمرین نوشتن کرده ام. حالا هم می خواهم یک سری تمرین ها را اینجا با شما به اشتراک بگذارم بلکه افراد بیشتری دست به قلم ببرند و بنویسند.

پس از شماره بعدی یک ستون را اختصاص می دهیم به نوشتن و تکنیک های آن بلکه با کمک گرفتن از آن تکنیک ها و تمرین بتوانیم دین مان به زندگی را ادا کنیم.

